Archive of SID.ir

فصلنامه علمی
پژوهش‌های نهج‌البلاغه
سال بیست وسوم / پاییز۱۴۰۳/ شماره ۸۲

صفحات
۲۰۹-۲۲۸

Quarterly Journal of
Nahjolbalagheh Research
Vol. 23, Autumn 2024, No. 82

عدالت اقتصادی و تاثیر آن در رونق و سلامت کار و تولید از منظر نهج‌البلاغه

احمد محتشمی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۳

چکیده:

اسلام دین دعوت به حیات طیبه است. «لِنُحیِیَهُ حَیَاةً طَیِّبَه»(آیه ۹۷ النحل) و نظام زندگی، رونق کار، تولید، سرمایه گذاری، اشتغال و دیگر شئوناتِ زیر مجموعه اقتصاد، مانند جریان خون در کالبد جامعه؛ سبب تراوت، شادابی، استقلال و پویایی آن می‌گردد و همه این امور در بستر عدالت اقتصادی محقق خواهد شد. در این مقاله پس از بیان اهمیت جایگاه عدالت از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در همه امور و بویژه در اقتصاد، به دو موضوع مهم و اساسی اشاره می‌شود. ۱) اصلاحات فرهنگی و بینشی بعنوان نیروی محرکه جهت تحول فکری و اعتقادی در زمینه اقتصاد اسلامی و ۲) اصلاح ساختاری سیستم اقتصادی بعنوان سخت افزار موضوعِ موردِ تحقیق، جهت عینیّت بخشی به عدالت اقتصادی. سپس به فرهنگ کار و اهمیت آن از نظر امام‌علی علیه‌السلام و تأثیر تولید و سرمایه‌گذاری در تحقق عدالت اقتصادی، توضیحاتی داده می‌شود و نهایتاً به اصول نُه گانه عدالت اقتصادی از دیدگاه نهج‌البلاغه اشاره شده است. البته در خصوص اصول مذکور، ممکن است ادعا شود که موارد بیشتری را می‌توان احصاء کرد، اما از دیدگاه نگارنده مهمترین اصول قابل ذکر، موارد بیان شده می‌باشد. از ویژگی‌های بارز و برجسته این مقاله آن است که غالب ارجاعاتِ موضوع مورد تحقیق از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام که در کتاب شریف نهج‌البلاغه تصریح شده، می‌باشد.

کلید واژگان:

عدالت اقتصادی، نهج‌البلاغه، کار، تولید، سرمایه‌گذاری

* استادیار دانشگاه فنی و حرفه ای شهید صدوقی یزد loopmatlab@gmail.com

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱-مقدمه

وظیفه اصلی دین، سر و کار داشتن با مسائل علم اقتصاد نیست بلکه هدف اسلام ارائه سیستم اقتصادی است که در آن روش تنظیم حیات اقتصادی بر اساس عقلانیت و عدالت تعریف می‌گردد. «اسلام دین دعوت و نظام زندگی است و وظیفه اصلی آن، این نیست که با مسائل علم اقتصاد سروکار داشته باشد. بلکه مقصود ما از اقتصاد اسلامی، سیستم اقتصادی است که در این سیستم روشی که اسلام در تنظیم حیات اقتصادی دارد، مجسم می‌گردد»(۱). گرچه در طول تاریخ از مهمترین خواسته‌های بشر گسترش عدالت در همه عرصه‌ها و از جمله اقتصاد است اما هرگز تعریف جامع و کاملی از آن ارائه نشد تا آنگاه که حضرت امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام در سیره علمی و عملی خود چنان زیبا، کامل و دقیق آنرا توصیف و توسعه دادند که در طول تاریخ مانند خورشید تابناک بر تارک عالَم می‌درخشد و تمام آزاد مردان را به شوق و شعف وامی‌دارد لذا در جواب سؤال کننده‌ای که از تفاوت عدل و جُود پرسش می‌کند، می‌فرمایند: «عدالت هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد ولی بخشش آنرا از جای خود بیرون می‌نهد. مصلحت عامه مردم در عدالت است اما جُود، تنها شخص بخشنده را شامل می‌شود پس عدالت برتر از بخشش است»(حکمت ۴۳۷). بنابر این اجرای حدود الهی، احقاق حقوق فردی و جمعی(که در نامه های ۲۷ و ۴۷ آمده)، مبارزه با تمامیت خواهی مستکبران(خطبه ۳) و در یک کلام رعایت تقوا در معنای واقعی آن، جلوه‌هایی از عدالت بحساب می‌آیند. یکی از وجوه اساسی عدالت که بر همه شؤن زندگی فردی و اجتماعی بشر تأثیر بسزایی دارد عدالت اقتصادی است تا آنجا که حضرت علی‌علیه‌السلام حکومت را برای زدودن ستم‌های اقتصادی و برپایی عدالت اقتصادی بیان فرمودند: «بحق آنکه دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر مردم حاضر نمی‌شدند و با حضورشان حجت را بر من تمام نمی‌کردند و اگر خداوند از عالمان پیمان سخت نگرفته بود که در برابر پُر خوری ستمگران و گرسنگی ستمدیده‌گان آرام و قرار نگیرند، ریسمان خلافت را بر گردنش می‌افکندم»(خطبه ۳). بی‌عدالتی اقتصادی از پیامدهای حاکمیتِ نااهلان بر امور امت است که بخاطر بدعت‌های خود ساخته تمامیت خواهان و ظلم و تبعیض‌های آشکار ایشان، نه تنها مردم را از دین برگردانده، مأیوس می‌کردند؛ بلکه سبب نابودی دارایی مردم نیز می‌شدند. لذا یکی از بزرگترین دغدغه‌های امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام حاکمیت جاهلان، نامحرمان و نااهلان بر امور امت بود. «لیکن آنچه مرا اندوهگین می‌کند آن است که کار سرپرستی امت به دست نابخردان و نابکاران

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

افتد»(نامه ۶۲). به همین دلیل امیرالمؤمنین علیه‌السلام در اولین اقدام اساسی پس از حاکمیت؛ مبارزه با ظلمِ اقتصادی و زدودن بی‌عدالتی و تبعیض‌هایی که در دوران حاکمانِ پیش از خود، جامعه را به دو گروه دارا و فرودست تبدیل کرده بود، را در دستور کاری خویش قرار می‌دهند. حضرت علی علیه‌السلام پس از بیعت خواص و عوام با ایشان، در روز دوم خلافتشان خطاب به مردم فرمودند: «مبادا فردا زورمندان و ثروتمندان که در نعمت و عافیت دنیا غرق شده‌اند فریاد زنند. مبادا آنان که بوستان‌ها آراسته‌اند و نهرها را به سوی بوستان‌ها چرخانده‌اند و بر اسبان راهوار سوار شده‌اند و کنیزان زیبا در خانه‌ها دارند، چنانچه از این کارها بازدارم و تنها حقوق مشروعشان را به آنان بدهم این کار را بر خود ننگ و عار بدانند و خشمگین شده، اعتراض کنند و فریاد برآرند که پسر ابوطالب ما را از حقوقمان محروم ساخت.... شما همگی بندگان خدایید و این اموال از آن خداست که باید با سهم برابر میان شما تقسیم شود»(۲). این حرکت عدالت خواهانه امام، بطور طبیعی خواصِ تمامیت خواه را به مقابله با ایشان واداشت و جنگ جمل را بوجود آورد. به همین دلیل عده‌ای امام را از ادامه چنین سیاستی بازمی‌داشتند اما حضرت فرمودند: «آیا مرا فرمان می‌دهید که پیروزی بجویم بوسیله ستم کردن درباره آنان که سرپرست ایشانم؟ سوگند بخدا به چنین چیزی نزدیک نشوم.... اگر دارایی از آنِ خودم بود، بی گمان همگی را برابر می‌داشتم تا چه رسد که دارایی(خدا) از آن خودشان است»(کلام ۱۲۶). البته امام بجهت برخی مصالح، بعضی از اصلاحات را به بعد موکول کردند و فرمودند: «اگر دو پایم در این لغزشگاه استوار بماند، بی شک چیزهایی را دگرگون می‌کنم»(حکمت ۲۷۲). از منظر امام علیه‌السلام تحقق عدالت اقتصادی بمنظور توسعه کار، تولید و سرمایه گذاری با ثروت‌های عمومی و خصوصی در چرخه اقتصاد، منوط به توجه همزمان در دو موضوع است. اول: باید اصلاحات فرهنگی در بینش مردم برای تحقق عدالت انجام بگیرد. قاعدتاً ارزشها بر اساس آن بینش‌ها تغییر خواهد کرد و در نتیجه گرایش به ارزشهای عدالت خواهانه در جامعه گسترش می‌یابد و زمینه برپایی عدالت در همه امور و از جمله اقتصاد محقق می‌گردد. اینجاست که جهاد تبیین در تغییر بینش اهمیت خود را نشان می‌دهد. نگاه صحیح به ثروت و ناداری، دوری از اسراف، تبذیر، اتراف، بیکاری، ولنگاری و غیره و در مقابل تقدیس کار و تلاش اقتصادی، کیفیت گرایی، قناعت، اعتدال و مانند آن از جمله اصلاحات فرهنگی است. دوم: اصلاح پایه‌ای در عرصه اجرایی و ساختاری مانند: امنیت

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اقتصادی و سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی دقیق و علمی در جهت تولید و بهره‌وری، عقلانیت اقتصادی و مانند آن برای ایجاد عدالت اقتصادی می‌باشد.

۱- ملزومات عدالت اقتصادی

۱-۱- اصلاحات فرهنگی و بینشی برای تحقق عدالت اقتصادی

یکی از ترفندهایی که نااهلان و نابخردان برای تحقق و تداوم حاکمیت ظالمانه خود در جامعه رواج می‌دهند، القای بینش نادرست از دارایی و صبر بر فقر تحمیلی و استضعافی است و در یک مغالطه آشکار برای چپاول دارایی‌های بیت المال که بطور طبیعی استضعاف دیگران را بهمراه دارد، مردم را به شکیبایی بر فقر و دوری از زخارف دنیا، با جعل مفهوم صحیح ساده زیستی، اندیشه مردم را تخدیر کرده، بهره‌مندی از مواهب الهی را ضد ارزش القا می‌نمایند تا بهتر بتوانند اموال عمومی را چپاول کنند. در حالی که هیچ کاخی ساخته نشد مگر آنکه کوخی بنا شد «و نعمت فراوانی ندیدم، مگر این که در کنارش حقی ضایع شده باشد»(۳). «خداوند سبحان قُوت(و نیازهای) فقرا را در اموال اغنیا واجب و معین کرده است. از این رو هیچ فقیری گرسنه نمی‌ماند مگر به سبب بهره‌مندی غنی(و ممانعت او از پرداخت حق فقیر)...»(حکمت ۳۲۸). استفاده اقتصادی همه گروه‌های اجتماعی بر اساس حق و عدالت، سبب می‌شود تا تمامی تولید کنندگان، تجار، بازرگانان، صنعتگران و گردانندگان دیگر خدماتِ اجتماعی، علاوه بر رسیدن به حقوق خود، به اقشار ضعیف الحال نیز بعنوان تعاون فیمابین توجه داشته باشند. در جامعه‌ای که به فقر نگاه مثبتی می‌شود فرسنگ‌ها از آموزه‌های علوی دورند و عدالت اقتصادی هرگز محقق نخواهد شد و مردم آن نه تنها شاداب و سرزنده زیست نخواهندکرد بلکه در مرگ تدریجی بسر می‌برند. «فقر مرگ بزرگتر است»(حکمت ۱۶۳). مسلماً کسانی که در هزینه کرد ابتداییِ معیشت خویش مشکل داشته باشند دچار افسردگی شده، آرامش روحی خود را از دست خواهند داد(مگر آنکه از ایمان بسیار بالایی برخوردار باشند که قاطبه مردم اینگونه نیستند) و همین امر سبب ناهنجاری اجتماعی می‌شود و پریشانیِ عقل را بهمراه می‌آورد. «فرزندم! از تهیدستی بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر که فقر عقل را آشفته می‌کند» (حکمت ۳۱۹). جامعه‌ای که افراد آن بخاطر نداری، احساس خود کوچک بینی و عدم کرامت انسانی داشته باشند، دچار معضلات متعددی خواهند شد«خدایا! آبرویم را با بی نیازی نگهدار و با تنگدستی شخصیت ما لکه دار مفرما که از روزی خواران تو روزی خواهم و از بدکارن عفو و بخشش

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

طلبم»(خطبه ۲۲۵) و این امر، نقصـــان دین را بهمراه خواهد آورد. «فرزندم! از نداری بر تو بیمناک هستم. پس از آن به خدا پناه ببر که فقر دین را ناقص سازد»(حکمت ۳۱۹) و شعله حقد و دشمنی را شـعله‌ور خواهد کرد«فرزندم! ... نداری دشـمنی بوجود خواهد آورد»(حکمت ۳۱۹). از طرفی انسـان فقیر بدلیل دغدغه تنگنای معیشـتی، فرصـت حضـور فعال در عرصـه‌های اجتماعی و سـیاسـی را نخواهد داشت بنابر این علاوه بر آثار سوء فردی که اشاره شد، در مناسبات اجتماعی و سیاسی نیز نشاط و روحیه تعاون و مشارکت جمعی را از دست خواهد داد.

۱-۲- اصلاح ساختار سیستم اقتصادی جهت تحقق عدالت اقتصادی

هر آشـفتگی اقتصـادی معلول بی‌تدبیری و عدم شـناخت کافی از الگوی مسـلط و چارچوب فکریِ ساختار اقتصادی است. لذا در چنین شرایطی نمی‌توان برنامه جامع برای تحقق عدالت اقتصادی و زدودن فقر از جامعه در نظر گرفت و به تعبیر حضـرت علی‌علیه‌السلام: «بی‌تدبیری کلید فقر اسـت»(۴). به همین دلیل در هرج و مرج و باری به هر جهت عمل کردن و حرکت بدون دانشِ صحیح و جامع نگرِ اقتصادی، امکان گسترش عدالت اقتصـادی وجود ندارد. «هر کس بر پایه‌ای غیر از دانش عمل کند، خرابکاری وی بیش از اصلاح کردن او خواهد بود»(۵). پیروی از هواهای نفسانی و یله بودن خواهش‌های شیطانی زمینه انزوای عقلانیت را فراهم سـاخته، مانع تحقق عدالت اقتصـادی در همه امور می‌شـود و درنتیجه تباهی، تبعیض، ویرانی، عدم شـایسـته سـالاری، عدم مراعت حق و نادیده گرفتن شـئونات اخلاقی را بوجود می‌آورد و این نقیصه عامل اصلی بسیاری از بحران‌های اقتصادی و معیشتی است. عقلانیت با ابزار علم می‌تواند تدبیر کننده و برنامه‌ریز تحقق عدالت اقتصادی و دوری از ظلم و نابرابری و اتحاد و انضباط کاری در جامعه باشد که در بیان الهی حضرت امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام در تذکر رعایت حقوق متقابل والی و رعیت آمده است. در حکومت‌های غیر عقلانی خودکامگان و مستبدّان؛ نگاه والیان به مردم، نگاه از بالا به پائین و ارباب به برده و زیردسـت اسـت و بهره‌مندی مردم از حقوق مُسـلَّم‌شـان با منّت و تفضّـل همراه اسـت و حال آنکه در حکومت علوی حقوق والی و رعیت دوطرفه و دوسویه می‌باشد و تنها خداست که از باب «کَتَبَ عَلیَ نَفسِهِ الرَّحمه»(آیه ۱۲ انعام) و بر اسـاس تفضّـل و لطف به بندگان ثواب و پاداش عطا می‌کند. بنابر این در پرتو عقلانیت وجوه مختلف عدالت اقتصادی محقق می‌گردد و در سایه عدالت، امنیت اقتصادی رخ می‌نماید.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نکته بعدی آنکه شرایط ناسالم اقتصادی معاملات اقتصادی اضطراری را به همراه داشته، سبب تباهی و انحطاط جامعه می‌گردد. «مردم را روزگاری دشوار در پیش است که توانگر اموال خود را سخت نگهدارد، در صورتی که به بُخل ورزی فرمان داده نشد. خدای سبحان فرمود: «بخشش میان خود را فراموش نکنی» بَدان در آن روزگار، بلند مقام و نیکان خوار گردند و با درماندگان به ناچاری خرید و فروش می‌کنند در حالی که رسول خداﷺ از معامله با درماندگان نهی فرمود» (حکمت ۴۶۸). تحقیق پیرامون رفتار پیشوایان دین نشانگر تلاش بی وقفه در سرمایه‌گذاری و افزایش تولید برای انتفاع عمومِ مردم می‌باشد که از شاخصه‌های بارز این بزرگواران بوده است. لذا امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام فرمودند: «هر که آب و خاکی بیابد و فقیر شود، خداوند او را از رحمت خود دور سازد» (۶).

از دیگر جلوه‌های تحقق عدالت اقتصادی در اصلاح ساختار اقتصادی، عمارت و آبادانی شهرهاست بطوری که زمین را از حالت طبیعی آن خارج ساخته، به وضعی تغییر داده شود که بتوان منافع و فواید بیشتر و بهتری از آن برگرفت. مانند تعمیر خانه ویران به محل قابل سکونت، و یا آماده سازی زمین برای کشت و زرع و باغ برای دادن میوه با کیفیت و کمیت بیشتر، و یا تبدیل مسجد به محلی که شایسته عبادت باشد. «او شما را از زمین پدید آورد و از شما آبادانی آنرا خواست»(آیه ۶۱ هود). «بدون توجه به عمران و آبادانی، و اثار زیبای برازنده در کشور و به تعبیر امام‌علی‌علیه‌السلام: «جَمِیلِ الاَثَرِ فِی البِلاَدِ»(نامه ۵۳)، نمی‌توان بستر لازم برای عدالت اقتصادی را تدارک کرد»(۷). هدف همه انسان‌ها در عالَم مُلک عمران و آبادانی زمین است چه اینکه حضرت علی‌علیه‌السلام می‌فرمایند: «خداوند آدم را بعد از توبه از بهشت فرو فرستاد تا با کمک نسل خود، زمین را آباد کند و حُجّت را بر بندگانش اقامه نماید»(خطبه ۹۱). حق تعالی علاوه بر کتاب، پیامبران و فطرت الهی، عقل را نیز به انسان عطا نمود تا با آن زمین را آباد کند. داشتن یکی از این چهار موهبت الهی، حجت را بر انسان تمام می‌کرد. اما انسان‌ها بجای استفاده از این ابزارهای چهارگانه برای رشد و تعالی و عمرانی، به تخریب و جنگ و غارت روی می‌آورند. توجه به عمران و آبادانی آنقدر مهم است که حضرت علی‌علیه‌السلام در ابتدای عهد نامه مالک اشتر یکی از چهار توصیه صدر این منشور را به آن اختصاص می‌دهند. «و آباد کردن شهرهای آن»(نامه ۵۳).

یکی دیگر از جلوه‌های تحقق عدالت اقتصادی در اصلاح ساختار اقتصادی، برنامه‌ریزی صحیح برای اخذ مالیات بعنوان اساسی‌ترین پشتوانه جهت پیشبرد اهداف برنامه‌های حاکمیت و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ایجاد عدالت اقتصادی است که علاوه بر اشاره اجمالی در ابتدای فرمان حضرت علی(ع) به مالک اشتر، در ادامه این منشور نیز تصریح شده که بسامان شدن حکومت، ملازم با بسامان شدن نظام مالیاتی، بعنوان اساسی‌ترین تکیه‌گاهِ مالی حکومت می‌باشد که از هر کس باید به میزان توان و استطاعت مالی خراج گرفته شود. «و(بدان که) باید نگرش تو در آبادانی زمین، رساتر از نگرش تو به گرفتن خراج باشد، زیرا خراج تنها با آبادانی است که به دست می‌آید؛ و هر کس که بی آباد ساختنی درخواست خراج کند، سرزمین‌های کشور را به ویرانی اندازد، و بندگان خدا را به نابودی کشاند و جز اندکی کار او راست نیاید»(نامه ۵۳). نگاه امام(ع) در باره مالیات؛ نظامی مبتنی بر بهره‌مند ساختن مالیات دهندگان و بهبود اوضاع اقتصادی جامعه است نه آنکه در پی بهره‌کشی از منابع مالیِ گردآوری شده باشد که در اینصورت فاقد پویایی، انعطاف و برنامه‌ریزی جامع جهت درآمدزایی خواهد بود. «و هر کس که بی آباد ساختنی درخواست خراج کند، سرزمین‌های کشور را به ویرانی اندازد و بندگان خدا را به نابودی کشاند»(نامه ۵۳). نکته مهم دیگر آنکه حضرت امیرالمؤمنین(ع) در اخذ مالیات توسط کارگزارانِ خویش، سفارش ویژه‌ای به اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی مردم داشتند تا شرایط نابسامانِ مردم، سبب انقطاع آنان از حاکمیت نشود لذا به مالک اشتر سفارش می‌کنند: «پس اگر از سنگینی(خراج) یا آسیبی یا بریده شدن آبیاریِ زمینی، یا آب زیاد رسیدنی، یا دگرگونی زمینی که آب بسیار آن را در خود فرو برده است، یا تشنگی به آن زیان رسانیده است، شکایت کردند، به اندازه‌ای در پرداخت خراج به آنان تخفیف می دهی که امیدوار شوی بدان وسیله کارشان بسامان می‌رسد»(نامه ۵۳). این انعطاف در اخذ مالیات نشانه عدالت ورزی و اوج عقلانیت است. زیرا ضرر و زیانِ ظاهری این بخشودگی‌ها در مقایسه با دلگرمی و پشتیبانی مردمِ آسیب دیده از حاکمیت بسیار ناچیز خواهد بود و علاوه بر ایجاد انگیزه در کار و تلاش مالیات دهندگان، سبب افزایش رونق اقتصادی جامعه می‌گردد و در بحران‌ها همین مردم کمک کار حاکمان خواهند شد. «زیرا این کار اندوخته‌ای است که در آباد کردن سرزمین و آراستن فرمانداری است، آنرا به تو باز می‌گرداند»(نامه ۵۳). بنابر این هر چه رونق اقتصادی و آبادانی جامعه بخاطر پشتیبانی مردم بیشتر گردد، برنامه‌های تدوینیِ پیشرفت آن جامعه نیز افزونتر خواهد شد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۲-فرهنگ کار و تلاش از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام

تشویق و ترغیب مردم به کار و تلاش و دوری از تنبلی، مستلزم فرهنگ سازی گسترده است. لذت واقعی زندگی وقتی به کام مردم شیرین و گوارا می‌شود که در راه سعادت و پیشرفت دنیا و آخرت، بطور شبانه روزی تلاش نمایند و این مهم جز با برنامه‌ریزی و بینش حاصل نمی‌شود. وقتی بینش انسان‌ها تغییر کرد، قطعاً ارزش‌گذاری آنان نیز بر اساس آن بینش‌ها سوق داده می‌شود و گرایش به ارزش‌های ایجاد شده افزایش خواهد یافت. حال اگر جامعه‌ای با فرهنگ کار و تلاش تعلیم یابد و بینش او به این سو هدایت گردد، ارزش کار و سخت کوشی بالاتر و گرایش مردم به آن بیشتر می‌شود و بالعکس سُستی و بیکاری در نظر چنین مردمی ضد ارزش خواهد شد، آنگاه لذت زیبایی‌های زندگی واقعی و هماهنگی با طبیعت خلاّقِ اجتماع بشری با رفاه و کسب درآمدِ مناسب، سالم و توأم با پاکدامنی در بستر عدالت اقتصادی نمایان گشته، ریشه های فساد، رانت(تحصیل منفعت بدون تلاش) خشکانده خواهد شد. تمام تلاش امام‌علی علیه‌السلام برای جا انداختن چنین فرهنگی بود، لذا در برابر خواسته عبدالله بن زَمَعه برای دریافت مال بدون کار و تلاش(که فراهم آمده فرهنگ غلط امتیاز گذاریِ طبقاتی خلیفه دوم بود)، ایستادند. «این مال نه از آنِ من است و نه از آنِ تو. بلکه درآمد عمومی است و از آنِ همه مسلمانان است. و فراهم آمده شمشیرهای آنان، پس اگر تو در جنگ با ایشان همرای کرده‌ای، بهره‌ای همانند آنان داری، وگرنه، چیده‌های دست آنان برای دهان‌هایی جز دهان خودشان سزاوار نیست»(خطبه ۲۳۲). امام‌علی علیه‌السلام می‌توانستند با بذل و بخشش‌های به حساب و کتاب برای خود مُرید جمع کند و پایه‌های حکومتی خود را مستحکم نماید، اما این عمل بمعنای تباه کردن حق، عدالت، انسانیت و فتوّت است لذا تمام تلاش حضرت در راستایِ زدودن فرهنگِ مفت خوری، ویژه خواری، تن پروری و کسب مال بدون زحمت بعنوان ضد ارزش؛ و تقدیس کار و تلاش برای کسب مال حلال بعنوان کارِ اخرویِ ارزشمند معطوف بود. جامعه‌ای که در کارهای محوله به آحاد آن کوتاهی و سستی نماید آسیب پذیر گشته، دچار تباهی‌ها می‌شود و به رفاه و سعادت راه پیدا نخواهد کرد. «هر که در کار کوتاهی ورزد، دچار اندوه گردد»(حکمت ۱۲۷). نکته بعدی اینکه، از ویژگی‌های انسان مؤمن آن است که در فعالیت‌های اقتصادی علاوه بر پاکدستی و پاکدامنی «خوشا آن که کسبی پاکیزه داشته باشد»(حکمت ۱۲۳)؛ هرگز او را فارغ و بیکار نمی‌بینید تا وقت خود را به بطالت بگذراند. «وقت مؤمن پُر است»(حکمت ۳۳۳) لذا نه تنها احساسی و مقطعی به کار

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

و تلاش نگاه نمی‌کند بلکه از ویژگی‌های او داشـتن پشـتکار و مداومت بر انجام وظایف محوله به اوسـت. «به کار برخیزید! پس به پایان رسـانید! به پایان رسـانید! و پایدار بمانید! پایدار بمانید! پس شـکیبایی! شـکیبایی!»(خطبه ۱۷۶). این تلاش پاک و مسـتمر سـبب می‌شـود تا جامعه دینی از وابستگی مذموم به کفار رهایی یافته، به استقلال نسبی دست یابند و علاوه بر تأمین نیازمندی‌های دنیایی، کرامت و حیثیّت معنوی خویش را نیز حفظ خواهند کرد. «و خداوند هرگز راهی برای سـلطه کفار بر مسـلمانان قرار نداده اسـت»(آیه ۱۴۱ نسـاء). البته در این راه باید آحاد جامعه دینی در اوج تلاش مسـتمر و با کیفیت، راه قناعت را نیز پیش گرفته، از حرص و ولع دوری جویند. «قناعت دولتمندی را بس، و خوی نیک نعمتی بُوَد در دسـترس(و از حضـرتش در معنای «فَلَنُحيِيَنَّهُ حَياةً طَيِّبَه» پرسـیدند و حضـرت فرمودند: و آن قناعت اسـت»(حکمت ۲۲۹). که بزرگترین دارایی می‌باشد«هیچ گنجی پر مایه‌تر از قناعت نیست»(حکمت ۳۷۱).

۳-تأثیر تولید و سرمایه‌گذاری در تحقق عدالت اقتصادی

ایجاد بسـتر تحقق عدالت اقتصـادی بدون سـرمایه گذاری‌های خصـوصـی و عمومی و تولید سالم، جهت افزایش دارایی‌ها و بهره‌مندی همگان در شرایط یکسان امکان‌پذیر نیست چه اینکه خودِ امام‌علی(ع) نیز در این راستا از همه بیشتر به کار و تلاش و تولید اهتمام داشتند. «او با دستان خود کار می‌کرد، و همواره زمین را کشت و آبیاری می‌نمود، و نخل می‌کاشت، و تمام این کارها را شخصاً انجام می‌داد، و چیزی از دسـتاوردش را کم و یا زیاد، برای خودش و یا بازماندگانش نگذاشـت، بلکه همه آنها وقف شـد»(۸). امیرالمؤمنین علی(ع) در کار و تولید و سـرمایه‌گذاری چنان فعالیت طاقت فرسـایی داشـت که سـبب تعجب و شـگفتی دیگران می‌شـد. «همانا امیر مؤمنان(ع) در حالی که بارهایی از هسـته خرما همراهش بود می‌گرفت. به وی گفته شـد که این باری که همراهت اسـت چیسـت؟ گفت: اگر خدا بخواهد درخت خرما. پس آن هسـته‌ها را کاشـت و حتی یک هسـته را وانهاد»(۹). امام‌علی(ع) در برگشـت از صـفین چگونگی نگهداری و رسـیدگی املاک را بخوبی توصیف کرده، برای فراهم ساختن زمینه سرمایه‌گذاری و تولید سفارش ویژه‌ای دارند تا اولاً: اصل مال حفظ شود و تنها از میوه و درآمدش در راهی که به ایشـان دسـتور داده شـده انفاق نماید و ثانیاً: نهال نخل‌ها را نفروشـند تا آن هنگام که تمام سـرزمین تحت پوشـش نخل قرار گیرد و بدین ترتیب

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

باغستان گسترش یابد. «(بنده خدا علی ابن ابی طالب علیه‌السلام) با کسی که این کار را بدو واگذار کرده، شرط می‌کند که اصل مال را به حال خود نهد و از میوه آن انفاق و فرمان داده راهنمایی شده است؛ و این که پاجوش‌ها و نهال‌های تازه خرما بُنانِ این قریه‌ها را نفروشد تا آنجا که زمین باغستان‌هایش با درخت تازه کاشته شده‌اش انبوه شود، به گونه‌ای که شناخت آن برای بیننده دشوار گردد» (نامه ۲۴). حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خصوص سرمایه‌گذاری و تولید بعنوان زمینه ساز عدالت اقتصادی و تأمین همگانی، چنان از خود حساسیت نشان می‌دهند تا جامعه از سایه شوم فقر دور گشته از ننگِ نداری و فقر که به تعبیر حضرت مرگ بزرگ، «ناداری مرگ بزرگ تر است»(حکمت ۱۶۳)، و اُم الفساد جامعه بحساب می‌آید، خارج گردد و امید به آینده درخشان و تقویت روحیه سرمایه‌گذاری و تولید در آنان گسترش یافته، عدالت اقتصادی و تأمین همگانی محقق گردد. قطعاً لازمه رسیدن به چنین جامعه‌ای بسامان کردن روابط و مناسبات اقتصادی صحیح و حذف ویژه خواران و آشفتگی اقتصادی وبی نظمی اقتصادی است که بوجود آورنده ستم، ناکارآمدی و یأس فعالان و تولید کنندگان واقعی است. «جامعه‌ای می‌تواند راه رسیدن به عدالت اقتصادی را طی کند که از نیروی انسانی، امکانات، دارایی‌ها و تجهیزات، حداکثر سود ممکن را با بهره‌گیری و استفاده بهینه در جهت رفاه عمومی، بدست آورد»(۱۰). «و باید از کارها آن را بیشتر دوست بداری که در جهت عدالت حق از همه کارها میانه‌تر باشد و در جهت عدالت همگانی‌تر و در جهت خشنودی شهروندان فراگیرتر» (نامه ۵۳). هرگاه تصمیم سازان و کارگزاران بتوانند بستر رعایت اخلاق مدیریتی، توجه به مبانی و اصول علمی بهره‌وریِ عدالت گرایانه را در جامعه بگسترانند آنگاه مترصّد توفیقات روز افزون آن جامعه برای تحقق عدالت اقتصادی قابل تصور خواهد بود.

۴-اصول و مبانی عدالت اقتصادی

اصول و مبانی تحقق عدالت اقتصاد اسلامی بر چند پایه استوار است که عبارتند از:

۴-۱- اصل پاسداشت حرمت مالکیت مردم

اسلام چنان به دارایی‌های مردم احترام گذاشته تا آنجا که هیچ دولتی(که از امکانات بیشتری برخوردار است) و هیچ کسِ حقیقی، حق تعرّض به دارایی دیگران را ندارد(مگر آنکه کسی با در اختیار گذاشتن امکانات خویش به دشمنان، سبب ایجاد ناامنی و خطر به جامعه اسلامی گردد). «به هیچ

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

روی دست به دارایی کسی مَبرید، نمازگزار باشد یا غیر مسلمان» (نامه ۵۱). امام‌علی علیه‌السلام جهت پاسداشت حقوق و حدود اقتصادی مردم هرگز با توجیهاتِ مصلحت حکومتی و مانند آن، به دارایی عمومی مردم دست نزدند. لذا در روز دوم حکومت خود فرمودند: «به خدا سوگند اگر زمینی را بیابم که به کابین زنان رفته و یا بهای خریدن کنیزکان شده باشد، بی گمان آنرا بازمی‌گردانم که در عدالت گشایش است»(کلام ۱۵). امام علیه‌السلام نه تنها خود مراعات عدالت اقتصادی و حفظ حرمت دارایی‌های مردم را داشتند، بلکه به کارگزاران خود نیز تأکید بر توجه به این مسئله می‌داشتند. «و همانا به خدا سوگند می‌خورم، سوگندی راست، که اگر به من گزارش رسد که تو در غنیمت مسلمانان و دارایی عمومی آنان چیزی اندک یا بسیار، خیانت کرده‌ای بی گمان چنان بر تو سخت بگیرم که تهی دست و سنگین بار و خوار در کار خود سرگردان شوی»(نامه ۲۰).

۴-۲-اصل نظارت و مراقبت از حریم اقتصادی مردم

یکی دیگر از شئونات عدالت اقتصادی از دیدگاه حکومت علوی نظارت و مراقبت از حریم اقتصادی مردم است. بر همین اساس امام علیه‌السلام رهنمودها و مراقبت‌های خود را در خصوص داد و ستد و مناسبات اقتصادی بشدت پیگیر بودند.«و باید خرید و فروش، آسان صورت بگیرد و با موازین عدل انجام گیرد و نرخ ها به گونه‌ای باشد تا هیچ یک از دو گروه فروشنده و خریدار کم گذاشته نشود»(نامه ۵۳). بدون توجه به نظارت، حریم های عدالت اقتصادی شکسته خواهند شد و همه امور یک جامعه به تباهی کشیده می‌شوند. از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام ماهیت نظارت از حریم اقتصادی زمانی بسامان است که کنترل بازار در گردش اقتصادی و روابط معاملاتی داد و ستد، روان، اصولی، پاک و با نشاط برقرار باشد. تنگناهای اقتصادی، معاملات تحمیلی در حالت اضطرار، بهره‌کشی، کم فروشی، گران فروشی، فریبکاری و ظلم در روابط اقتصادی نشانه تباهی و ضایع شدن روابط سالمِ اقتصاد جامعه می‌شود و از دیدگاه قرآن باطل و مطرود است. «هان! ای کسانی که ایمان آوردید، اموال خود را در بین خود به باطل مخورید، مگر آنکه تجارتی باشد از رضایت دهنده و گیرنده...»(آیه ۲۹ نساء). بنابر این با توجه به مفاسد اقتصادی که در شرایط عدم نظارت و مراقبت بر دو امر ۱) نرخ گذاری منصفانه که منفعت دو طرف معامله را تأمین کند و ۲) رعایت عدالت در مناسبات اقتصادی.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۴-۳-نقش اعتدال در تحقق عدالت اقتصادی

انتخاب صحیح و استمرار بودن در مسیر درستِ زندگی، مستلزم داشتن اولاً علم و آگاهی از صراط مستقیم و ثانیاً جهاد و داشتن اراده و ثبات قدم در صراط مستقیم و مخالفت با جذبه‌های سراب‌گونه و دروغین دنیایی و هوسرانی‌های نفسانی و شیطانی است. اما انسان جاهل غالباً گرفتار خطوط انحرافی می‌شود و از صراط مستقیم در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی باز می‌ماند. این افراط و تفریط از رذائل اخلاقی و مورد نهی صریح قرآن در همه امور زندگانی است. «هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن(و ترک انفاق منما) و بیش از حد آن را مگشا تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرو مانی»(آیه ۲۹ إسراء). اغلب نابسامانی‌های جوامع بشری در همه مسائل و از جمله اقتصادی، یا زائیده افراط است که به بهانه آزادی جامعه را گرفتار سرمایه داری ظالمانه می‌کنند و یا به تفریط آشکارا به دامن نظام کمونیستی می‌افتند. ضرورت اعتدال و میانه روی در تحقق عدالت اقتصادی از امور اجتناب ناپذیری است که در سیره حضرت علی(ع) کاملاً مشهود بوده، ضامن سلامت و پیشرفت امور اقتصادی جامعه خواهد بود. هر جا این اصل رعایت شود سلامت زندگی اقتصادی مردم نیز تضمین می‌گردد. «بر تو باد میانه روی، زیرا میانه روی یاری کننده‌ترین چیز برای خوب زندگی کردن است»(۱۱). میانه روی و اعتدال، زمینه تحقق عدالت اقتصادی و دوری از هزینه‌ها و مصرف‌های اضافی که زمینه ساز اجحاف و ستم اقتصادی است را برطرف کرده، کاستی‌ها را جبران می‌کند. «اعتدال و میانه روی، دارایی اندک را افزایش می دهد»(۱۲)

۴-۴-اصل پاسداشت حقوق افراد

توجه به اصل پاسداشت حقوق افراد در عرصه اقتصادی سبب ایجاد امنیت اقتصادی و رفاه عمومی است و هرگونه اختلال در این امر آسیب‌های جدی به همگان وارد می‌کند. در سیره امام‌علی(ع) هر انسانی حق دارد مالک دسترنج خود و دارایی‌هایی باشد که از راه شرعی و قانونی بدست آورده است. لذا وقتی عبدالله بن زَمَعه از اصحاب پیامبر(ص) و یاران حضرت علی(ع) درخواست واگذاری مقداری از دارایی‌های عمومی را نمود، امام(ع) بر حق مالکیت انسان‌ها تأکید کرده، فرمودند: «این دارایی نه از آنِ من است و نه از آنِ تو. بلکه درآمد عمومی و مال همه مسلمانان است.... چیده‌های دست آنان برای دهن‌هایی جز دهان خودشان سزاوار نیست»(خطبه ۲۳۲). در سیره پاسداشت عدالت اقتصادی چنان از حقوق افراد دفاع می‌کردند که حتی پس از شورش بر

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

عثمان هرگز اجازه دست اندازی به دارایی‌های شخصی عثمان را ندادند و فقط دارایی‌های عمومی بیت المال را تصرف کردند.(۱۳)

۴-۵- اصل حق امنیت اقتصادی

رعایت اصل حق امنیت اقتصادی در گردش امور اقتصادیِ روان و بسامان، زمینه مناسب و بالنده در جامعه را بهمراه خواهد داشت. تمام کسانی که در چرخه اقتصادی نقش ایفا می‌کنند نیازمند امنیت همه جانبه اقتصادی هستند تا رونق اقتصادی بوجود آید. «پس حرمت آنان(فعالان اقتصادی) را نگه دار و راهایشان را امن ساز و حقوقشان را بستان».(۱۴) البته فراهم ساختن فضای امن برای فعالان اقتصادی بمعنای گشودی دست آنان برای تجاوز و بی عدالتی اقتصادی نیست و نباید از خطر آسیب‌ها و آفات اقتصادی از جانب آنان و نهادها و سازمان‌های اقتصادی غفلت ورزید که در بسیاری از آنان این زمینه هست تا در شرایط بحرانی بروز پیدا کند و سبب زیان‌های شدید به توده مردم و انواع ناامنیتی اقتصادی مانند گرانی، بیکاری، کاهش رشد اقتصادی و ورشکستگی بنگاههای تولیدی کوچک و بعضاً بزرگ، بهره کشی و ستمگری اقتصادی را بوجود می‌آورند که نشانه بی‌تدبیری دولت و زمامداران است. «با آن همه(سفارش در باره بازرگانان و صنعتگران) بدان که در بسیاری از آنان تنگ نظری بیش از اندازه‌ای هست، و بُخلی زشت و گرایش به احتکار برای بدست آوردن سود(بیشتر) و خواستار فرمانروایی کردن و بدست گرفتن اختیار مراکز خرید و فروش؛ و چنان ویژگی‌هایی، باز شدن درِ زیان رساندن به توده مردمان، و ننگی است بر دامان سرپرستان»(نامه ۵۳). وجود تنگناهای اقتصادی، داد و ستدهای تحمیلی، خرید و فروش توأم با اجحاف و زیان برای یکی از طرفین، روابط ناسالم و ستمگرانه و معاملات ناحق،، نشانه هایی از بی‌عدالتی اقتصادی است که جامعه را به انحطاط می‌کشاند. البته لازمه امنیت اقتصادی فقط نفی تجاوزهای اقتصادی نیست، بلکه حاکمیت اخلاق بر اقتصاد فراهم کننده امنیت واقعی اقتصادی خواهد بود که هشدار آنرا حضرت علی علیه‌السلام داده‌اند. «مردمان را روزگاری رسد بس دشوار؛ توانگر در آنروز آنچه را در دست دارد سخت نگاه دارد، و حال آنکه(خدای متعال) او را چنین امر فرموده: «بخشش میان خود را فراموش نکنید»(آیه ۲۳۷ بقره). بَدان در آن روزگار بلند مقدار می‌شوند و نیکان خوار، و خرید و فروش کنند با درماندگان به ناچار، و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده با درماندگان معامله نکنید از روی اضطرار»(حکمت

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۴۶۸). معاملات و خرید و فروشی که در شرایط اضطرار و به ناچار و با قیمت نازل انجام گیرد شرایط ستمگرانه و خلاف عدالت اقتصادی است که حضرت علی(ع) در فرمان حکومتی خود به کارگزاران گردآورنده زکات تذکّرات لازم را یادآوری می‌نمایند که در نامه ۲۵ نهج‌البلاغه آورده شده است.

۴-۶- اصل حق رفاه عمومی

رعایت اصل حق رفاه عمومی بعنوان یکی از لوازم تحقق عدالت اقتصادی و حقوق مسلّم مدنیِ افراد جامعه، باید مورد توجه کارگذاران بعنوان وکیل، امین و خزانه دار مردم قرار بگیرد تا رفاه عمومی شکل بگیرد. این بدان معناست که روابط و مناسبات نظام اقتصادی بگونه‌ای تنظیم گردد تا هر کس بتواند حاصل کار و تلاش خویش را برای بدست آوردن رفاه نسبی بدست آورد. «اما حق شما بر من نصیحت و خیرخواهی کردن شما و فراوان کردن درآمدهایتان و رساندن آن به شما»(خطبه ۳۴). با همه موانع و مشکلاتی که بر سر راه حکومت امیرالمؤمنین علی(ع) بوجود آوردند اما در مناطقی که در اختیار حضرت(ع) قرار داشت و توانستند برنامه‌های خود را اجرا نمایند، رفاه عمومی بطور گسترده‌ای نمایان شد لذا فرمودند: «از عدالت خود لباس عافیت بر تنتان کردم»(خطبه ۸۷) چه اینکه در بیانات دیگری می‌فرمایند: «هیچ کس در کوفه بسر نمی‌برد و روز را آغاز نمی‌کند مگر آنکه تأمین شده و در رفاه است؛ و بی گمان پایین‌ترین آنان از نظر جایگاه و موقعیت، نان گندم می‌خورد و سرپناه دارد و از آب(پاک) فرات می‌نوشد»(۱۵).

۴-۷- اصل برابری و مساوات در تقسیم سرانه

اصل برابری و مساوات در تقسیم سرانه که با مخالفت‌های بسیاری از ویژه‌خواران و تمامیت‌خواهان مواجه می‌شود. تقسیم عادلانه و برابرِ درآمدهای عمومی به همه اقشار، از سُنّت‌های حضرت رسول اعظم(ص) بود(خطبه ۲۰۵) و در دوران خلیفه اول حفظ شد(۱۶) اما در دوران خلافت عمر این سنت رسول الله(ص) ترک شد. «در پی فتوحات گسترده و سرازیر شدن غنایم بسیار به بیت‌المال، راه و رسم تبعیض آمیزی در تقسیم درآمدهای عمومی و از جمله سرانه، پیش گرفته شد و بسان نظام مالی ایران و روم دفاتری تنظیم و مردمان را طبقه بندی کردند»(۱۷). بدین ترتیب خلیفه با معیارهای طبقاتی اموال عمومی را تقسیم نمود بگونه‌ای که مهاجران را بر انصار، انصار را بر عرب، عرب را بر موالی و زنان پیامبر را بر زنان مهاجر و انصار برتری داد و حتی در سهمیه زنان پیامبر میان آنان که عرب بودند و غیر آنان تفاوت گذاشت(۱۸). این بذل و بخشش‌های غیر عادلانه نسبت به

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

خویشاوندان و دوستان در دوران خلیفه سوم به اوج خود رسید که شرح آنرا در کتب تاریخی معتبر مانند مُروج الذهب(۱۹) و تاریخ التمدن اسلامی(۲۰) ملاحظه کرد و حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز در این خصوص می‌فرمایند: «تا آنکه سومین آنان به پا خواست.... و دارایی‌های عمومی را خوردند و بر باد دادند، همانطور که شتر گیاه بهاری را با ولع خُورَد و از ریشه درآورد» (خطبه ۳). از این رو حضرت علی علیه‌السلام پس از به حکومت رسیدن در گام نخست، بر اساس سنت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و اصل برابری و مساوات در تقسیم سرانه بطور عادلانه برخورد نمودند. «همانا من شما را به راه و روش پیامبرتان صلی‌الله‌علیه‌وآله خواهم برد.... و بدانید هر کس از مهاجران و انصار، از اصحاب رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله چنان تصور کند که بخاطر هم صحبتی با پیامبر خدا بر دیگری فضیلت دارد، بداند که فضیلت درخشان، فردا نزد خداوند است و پاداش او را خدا به او خواهد داد.... و این دارایی، دارایی خدایی است، میان شما یکسان تقسیم می‌شود و به هیچ کس بیش از دیگری داده نمی‌شود»(۲۱). این برخورد عادلانه امام علیه‌السلام، ویژه خوارانی چون طلحه، زبیر، عبدالله ابن عمر، سعید ابن عاص، مروان بن حَکَم و مانند آیشان را به خشم آورده، در مسجد رسماً با امام علیه‌السلام به مخالفت برخواستند.«به اندک چیز ناخشنودی نشان دادید و کارهای بسیار را به عهده تأخیر نهادید! به من بگویید در چه چیزتان حقی بوده است که از شما بازداشته ام؟.... » (کلام ۲۰۵). برخی از دوستان امام علیه‌السلام، از سر خیرخواهی عرضه داشتند؛ آیا بهتر نیست این دارایی‌ها را میان سران و اشراف تقسیم کنی؟ و آنان را بر ما ترجیح دهی؟ امام علیه‌السلام در جواب فرمودند: «آیا مرا فرمان می‌دهید که پیروزی بجویم بوسیله ستم کردن در باره آنان که سرپرست ایشانم؟ سوگند بخدا که به چنین چیزی نزدیک نشوم» (کلام ۱۲۶).

۴-۸- اصل تأمین نیاز مستمندان

اصل تأمین نیاز مستمندان از دیگر اصول مُسلّم عدالت اقتصادی است که از نگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام باید مورد توجه ویژه حاکمان قرار بگیرد تا تنگنای معیشتی و ناداری کرامت انسانی ایشان را مخدوش ننماید. «آنگاه طبقه فرودین جامعه یعنی نیازمندان و مستمندانی که یاری رساندن به ایشان حقی است(بر گردن)» مسئولان... پس خدا را! خدا را! در خصوص طبقه فرودین(و محروم جامعه) که هیچ چاره‌ای ندارند... مبادا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان بازدارد... همواره در فکر مشکلات آنان باش و از آنان روی برمگردان» (نامه ۵۳). امام‌علی علیه‌السلام نه تنها خود به اصل

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تأمین نیازمندان اهتمام تام داشـتند بلکه به کارگذارانشـان نیز یادآور می‌شـدند که این امر از حقوق مُسلّم مُستمندان و درماندگان است که لازمه تحقق عدالت اقتصادی در توجه به ایشان می‌باشد لذا به قُثَم بن عباس کارگزار حضرت در مکه می‌نویسند: «بدانچه از دارایی خدایی(اموال عمومی) که در نزدت فراهم شده است بنگر؛ پس آنرا به عیال‌مندان و گرسنگانی که در نزدت هستند برسان چنانکه چاره ساز جایگاه‌های نیازمندی‌ها و تهیدستی‌ها شود» (نامه ۲۶). سیاست امام‌علی‌علیه‌السلام در برآورده شـدن حاجات طبقه فرودین جامعه به گونه‌ای اسـت که با حفظ شـخصـیت آنان، در پی رفع گرفتاری‌های مستمندان هستند لذا به کارگزاران نیز این مهم را تأکید می‌کردند. «و بی گمان تو را در این زکات بهره‌ای واجب و حقی معلوم و روشن است و شریکانی داری از جمله: بیچاره‌ای زمینگیر و ناتوانی مستمند!» (نامه ۲۶). امام‌علیه‌السلام درباره ایتام، بی سرپرستان، کودکان بد سرپرست، کهنسالان نیازمند و اقشـار آسـیب پذیر دیگر نیز اینگونه می‌فرمایند: «کار یتیمان و کهنسـالان نیازمندی را که چاره‌ای ندارند و خود را برای تقاضایی در برابر دیگران برپا نمی دارند، بررسی کن و(از میان برداشتن نیازشـان را) عهده دار شـو» (نامه ۵۳). امام‌علیه‌السلام حتی در باره پیر مرد نصـرانی که در حال گدایی بود بشدت برآشفته شدند و فرمودند: هنگامی که جوان و توانا بود گارانه نیز از او کار کشیدید و اکنون که پیر و ناتوان شده رهایش کرده‌اید؟! (۲۲).

۴-۹- اصل صراحت و راستی در امور اقتصادی

اصل صراحت و راستی در امور اقتصادی از دیگر لوازم برپایی عدالت اقتصادی در جامعه بشمار می‌آید زیرا ناراسـتی، عدم شـفافیت، پنهان کاری، دغل‌کاری و مانند آن، مسـیر ظلم و اجحاف را در اقتصاد جامعه افزایش داده، امنیت اقتصادی را مخدوش خواهد کرد و این خلاف صراحت و صداقت اقتصـادی است. البته زمینه نابسـامانی‌های اقتصـادی در برخی از مشـاغل بیش از دیگران است چه اینکه حضرت به برخی از آنها اشاره‌ای دارند: «با آن همه(سفارشی که در باره بازرگانان و صنعتگران)، بدان که در بسیاری از آنان تنگ نظری بیش از اندازه هست و بخلی زشت و گرایش به احتکاری برای بدسـت آوردن سـودها و خواسـتار فرمانروایی کردن و به دسـت گرفتن مراکز خرید و فروش و چنان ویژگی‌هایی، باز شدنِ درِ زیان رساندن به توده مردمان و ننگی است بر دامان کارگزاران» (نامه ۵۳). این همه تأکید بر رعایت صـحت و سـلامت در امور اقتصـادی برای آن اسـت که ماهیت این مسـائل زمینه انحراف از عدالت اقتصـادی را داراسـت و مسـیر جامعه را ناسـالم می‌کند و این معضـل برای

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فعالان اقتصادی حریم شکنی، و برای مردم آسیب دیدگی را بهمراه خواهد داشت و چون با زندگی عمومی مردم پیوند خورده، بستر بحران‌های اقتصادی و بهم ریختگی ساختار نظام را فراهم خواهد کرد. امام‌علی(ع) نسبت به هرگونه خیانت در بیت‌المال و حیف و میل کردن آن، حتی سهل انگارانه نیز بسیار سختگیر و سازش ناپذیر بودند.

سوده همدانی، از بانوان وفادار به امیرالمؤمنین علی(ع) می‌گوید بر امام وارد شدم در حالی که آماده نماز شده بود، تا در خصوص عدم رعایت موازین اسلامی در باره جمع آوری زکات توسط یکی از کارگزاران به ایشان شکایت برم. حضرت با شنیدن سخنان من با مهربانی و عطوفت اشک از چشمان مبارک‌شان سرازیر شد و بر چرمی اینگونه نوشت: «بنام خداوند بخشاینده بخشایشگر؛ «هر آینه شما را از سوی پروردگارتان دلیلی روشن و هویدا آمده است، پس پیمانه و ترازو را تمام دهید و کالاهای مردم را مکاهید» (آیه ۸۵ اعراف) «و در زمین به تبه‌کاری مکوشید. اگر ایمان دارید، باقی گذاشته خدای(از حلال) برای شما بهتر است، و من بر شما نگهبان نیستم» (آیه ۸۵ و ۸۶ هود). چون نامه مرا خواندی آنچه را از سوی ما داری پاس بدار تا کسی بیاید و آن را تحویل بگیرد» (۱۴). اینگونه برخوردهای سریع و قاطع از سوی امام‌علی(ع) در جای جای نهج‌البلاغه به کرّات قابل ملاحظه است چه اینکه خود نیز در باره مراجعه عقیل به ایشان و درخواست اضافی از بیت المال آنگونه با برادر خود برخورد می‌کند که تا ابد الدّهر الگوی عدالت خواهان و آزاد مردان عالَم خواهد بود. (ر.ک. کلام ۲۲۴).

۵-نتیجه

از نگاه امام‌علی(ع) دستیابی به عدالت اقتصادی بدون مبارزه با مناسبات ستمگرانه اقتصادی و قطع روابط ظالمانه اقتصادی امکان پذیر نیست لذا تا زمانی که ریشه‌های ستم اقتصادی، تجاوزگری و چپاول اقتصادی از جامعه قطع نشود مبارزه با فقر و نداری و ناترازی اقتصادی معنا ندارد. به همین دلیل حضرت علی(ع) از همان روز اول که به حکومت می‌رسند به مسجد رفته و مردم را به حاکمیت عدل در همه امور و بویژه اقتصاد و توزیع عادلانه بیت المال و قطع دست تجاوزگران به اموال عمومی و تمامیت خواهیِ ویژه خواران و عزل کارگزاران فاسد؛ امیدوار می‌کنند و به هیچ کس اجازه نمی‌دادند که روابط و مناسبات ستمگرانه اقتصادی را ادامه دهد. لذا با ارائه

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

برنامه‌های مدون و در تراز احکام متعالی اسلام ناب، اصولی را پایه‌ریزی کرده، عدالت اقتصادی را با همه کارشکنی‌های دشمنان و عدم همراهی یاران خائن و عدم توانایی فهم و درک مردم در پیروی از دستورالعمل‌های متعالی بطور فی‌الجمله پیاده نمودند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

منابع

.*نهج‌البلاغه*

۱. ابن ابی الحدید، عز الدین حمید بن هبه الله، ۱۳۷۸ ق، ***شرح نهج‌البلاغه***، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱، ۵، ۷، الطبعه الاولی، مصر: دار احیاء الکتب العربیه

۲. ابن شعبه الحرانی، ابو محمد الحسن، ۱۳۹۴ ق، ***تحف العقول عن آل الرسول***ﷺ، قم: مکتبه بصیرتی.

۳. الحمیری القمی، ابو العباس عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳ ق، ***قرب الاسناد، الطبعه الاولی***، بیروت: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.

۴. خوانساری، جمال الدین محمد، ۱۳۶۰ ش، ***شرح غُرر الحکم***، تصحیح و تعلیق: میر جلال الدین حسینی ارموی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

۵. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۰ ش، ***تراز حیات***، چاپ اول، تهران: انتشارات دریا.

۶. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۱ ش، ***رخساره خورشید***، چاپ اول، تهران: انتشارات دریا.

۷. زیدان، جرجی، ***تاریخ التمدن***، بیروت: دار مکتبه الحیاه.

۸. شمس الدّین، محمد مهدی، ۱۳۹۲ ق، ***دراسات فی نهج‌البلاغه***، چاپ دوم، بیروت: دار الزهراء

۹. صدر، سید محمد باقر، ۱۳۵۰ ش، ***اقتصاد ما***، ج ۱، ترجمه محمد کاظم موسوی، چاپ اول، تهران: انتشارات برهان،

۱۰. صدوق، ابو جعفر محمد بن بابویه القمی، ۱۴۰۴ ق، ***من لا یحضره الفقیه***، تصحیح: علی اکبر الغفاری، الطبعه الثانیه، قم: منشورات جماعه المدرسین.

۱۱. الطبری، ابو جعفر محمد ابن جریر، ***تاریخ الرسل و الملوک(تاریخ طبری)***، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعه الرابعه، القاهره: دارالمعارف.

۱۲. الطوسی، ابو جعفر محمد ابن حسین، ۱۳۹۰ ق، ***التهذیب الاحکام***، ، تحقیق و تصحیح: سیدحسن خراسانی، طهران: دار الکتب الاسلامیه.

۱۳. عبدالله ابن احمد ابن حنبل، ۱۴۲۹ ق، ***فضائل الصحابه***، تحقیق: احمد فرید المزیدی، الطبعه الاولی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱۴. علی ابن محمد اللیثی الوسطی، ۱۳۷۶ ش، ***عیون الحکم و المواعظ***، تحقیق: حسن حسینی بیرجندی، الطبعه الاولی، قم: دار الحدیث.

۱۵. کلینی، محمّد بن یعقوب، ۱۳۸۸ش، ***اصول کافی***، جلد۵، تحقیق: علی اکبری غفاری، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۶. المسعودی، ابو الحسن علی ابن الحسین، ***مروج الذهب و معادن الجوهر***، بیروت : دارالاندلس، ج ۲، ص ۳۳۲

۱۷. الهروی، ابو عبید القاسم بن سلاّم، ۱۴۰۸ ق، ***الاموال***، تحقیق و تعلیق: محمد خلیل هراس، الطبعه الثانی، بیروت: دارالفکر

Archive of SID.ir